



فدک هدیه پیامبر

کلیدواژه: فدک، **هدیه**، **حضرت فاطمه** سلام‌الله‌علیها، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، حق غصب شده.
پرسش: اگر فدک هدیه پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - بود، چرا فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها، آن را به‌عنوان ارث خود مطالبه می‌کند؟
پاسخ: چنان‌که در منابع تاریخی معتبر آمده، فدک مجموعه‌ای از باغات و مزارعی بود در اطراف **مدینه** که پیامبر اکرم آن را به **صلح** از **یهودیان** **خسیر** گرفته و به حضرت زهرا - سلام‌الله‌علیها - بخشید.
[۱] **یاقوت حموی**، **معجم البلدان**، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۷۱.

فهرست مندرجات

- ۱ - حدیثی از پیامبر
- ۲ - نتایج برگرفته از حدیث فوق
 - ۲.۱ - روایاتی معتبر از بلاذری
 - ۲.۲ - روایاتی از ابن ابی‌الحدید
- ۳ - جعل حدیث به‌وسیله ابوبکر
- ۴ - استناد حضرت زهرا به قرآن
- ۵ - مطالبه فدک به‌عنوان حق غصب شده حضرت زهرا
- ۶ - علت تمسک حضرت زهرا به آیات ارث
 - ۶.۱ - روایتی از ابن ابی‌الحدید
 - ۷ - دیدگاه منابع تاریخی شیعه
 - ۷.۱ - روایات جعلی از عایشه
 - ۷.۲ - تعارض در کلام ابی‌بکر به روایت ابن ابی‌الحدید
- ۸ - یانویس
- ۹ - منبع

حدیثی از پیامبر

بلاذری می‌نویسد که پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - نصف آنجا را به صلح خالصه خویش نمود. بنا بر نقل بلاذری از عایشه وقتی که زنان پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - در زمان **عثمان** ارث خود را مطالبه نمودند، عایشه جواب داد: «... انما هذا المال لآل محمد...».
[۱] ابی‌الحسن بلاذری، فتوح البلدان، قم، منشورات الارومیه، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۴.

نتایج برگرفته از حدیث فوق

از این حدیث دو نتیجه مهم حاصل می‌شود: اول اینکه زنان پیامبر جزء آل‌محمد - صلی‌الله‌علیه‌وآله - نیستند؛ دوم اینکه فدک را حضرت به دخترش **فاطمه** داده بود؛ چنان‌که نقل کرده است که فاطمه به ابی‌بکر گفت: رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - فدک را به من **هبه** نمود، آن را به من بازگردان...».
[۱] ابی‌الحسن بلاذری، فتوح البلدان، قم، منشورات الارومیه، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۵.

← روایاتی معتبر از بلاذری

بلاذری که یکی از علمای اهل سنت است، چند روایت معتبر در این مورد نقل کرده است که **ملک** فدک مال رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - بود و پیامبر از درآمد آن به **خاندان** خود می‌داد که فاطمه آن را از رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - خواست و رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - آن را به فاطمه بخشید و همچنین این **مورخ** نقل نموده است که عمر بن عبدالعزیز آن را به **اولاد** فاطمه برگرداند؛ چنان‌که عمر بن عبدالعزیز بعد از رسیدن به **خلافت** خطبه‌ای خواند و گفت: فدک «فی‌ء» رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - بود که آن را به فاطمه - سلام‌الله‌علیها - داد... مأمون نیز آن را طی نامه‌ای به فرزندان فاطمه برگرداند و گفت این ملک را رسول خدا به دخترش فاطمه بخشیده است و **وارثین** او و فرزندان **مالک حقیقی** آن هستند.

[۴] ابی‌الحسن بلاذری، فتوح البلدان، قم، منشورات الارومیه، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۶ - ۴۷.

[۵] ابن اثیر الکامل، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۲۲۵.

«و قد کتب امیرالمؤمنین (مامون) الی المبارک الطبری مولی امیرالمؤمنین (مامون) یا مره برد فدک علی ورثه فاطمه بنت رسول‌الله - صلی‌الله‌علیه‌وآله...».

[۶] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۴.

← روایاتی از ابن ابی‌الحدید

ابن ابی‌الحدید روایاتی آورده است که دلالت می‌کند، پیامبر این ملک را بنا بر آیه شریفه «... و آت ذی‌القربی حقه...» به فاطمه بخشید.

[۷] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۴.

جعل حدیث به وسیله ابوبکر

هرگز آن حضرت فدک را به‌عنوان **میراث** مطالبه ننمود؛ بلکه خلیفه اول درباره میراث انبیا حدیثی جعل کرد که آن حدیث دقیقاً مخالف و **معارض** با قرآن بود.

[۸] نمل، (۲۷)، آیه ۱۶؛ «وَرِثَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ...»

حدیثی که او جعل کرد این بود «... نحن معاشر الانبياء لانورث...»

[۹] این حدیث جعلی است و هرگز از پیامبر نقل نشده است؛ چنان‌که ابن ابی‌الحدید در آن تردید نموده.

دروغ بستن به زبان پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - مساوی با **کفر** است؛ چنان‌که در منابع اهل سنت آمده است؛ چون هرگز پیامبر حدیثی مخالف با قرآن نمی‌گوید.

استناد حضرت زهرا به قرآن

بنابراین حضرت زهرا - سلام‌الله‌علیها - به‌خاطر اینکه آنها ناآگاهانه جعل حدیث کردند، برای روشن نمودن چهره دروغین آنها به قرآن استناد نمود و گفت که چطور انبیا میراث ندارند؛ درحالی‌که قرآن **حضرت سلیمان** را وارث داود معرفی می‌کند و آیات ارثی که در قرآن آمده است مگر ممکن است پیامبر مستثنا از آنها باشد.

[۱۰] نساء(۴)، آیه ۱۱ و ۱۴؛ چنان‌که در قرآن سوره نساء آیات ۱۱ الی ۱۴ و آیات آخر سوره و آیات دیگر از قرآن مسئله ارث مطرح شد و به‌عنوان یک فریضه از آن یاد شده، مگر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از فرایض دیگر مثل نماز و... مستثنا بود، از این فریضه مستثنا شود.

پیامبران هم مثل سایر انسان‌ها دارای اولاد بودند و دارای ارث و میراث، پس این ادعای **خلیفه اول مخالف** قرآن و لازمه **عمل و قول** او **تکذیب** پیامبر و قرآن است.

مطالبه فدک به‌عنوان حق غصب شده حضرت زهرا

فدک را که پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - به **دستور** خداوند به فاطمه بخشیده بود، فاطمه - سلام‌الله‌علیها - بعد از غصب فدک هرگز نگفت که من میراث پدرم را مطالبه می‌کنم، بلکه آنها جعل حدیث نموده و مسئله میراث را پیش کشیدند؛ درحالی‌که فاطمه - سلام‌الله‌علیها - **مالک** فدک بود و بعد از فاطمه - سلام‌الله‌علیها - فدک به فرزندان **فاطمه** - سلام‌الله‌علیها - به‌عنوان میراث می‌رسید؛ پس فاطمه - سلام‌الله‌علیها - به‌عنوان میراث مطالبه نکرده است؛ بلکه به‌عنوان حق غصب شده خویش، مطالبه می‌کرد.

علت تمسک حضرت زهرا به آیات ارث

و علت اینکه حضرت فاطمه به آیات ارث تمسک جست، این بود که می‌خواست به خلیفه اول بفهماند، حدیثی که او به زبان پیغمبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - می‌بندد، خلاف قرآن است که لازمه آن تکذیب قرآن و مساوی با کفر است.

[۱۱] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۰.

← روایاتی از ابن ابی‌الحدید

ابن ابی‌الحدید تصریح می‌کند که حضرت فاطمه - سلام‌الله‌علیها - فدک را هرگز به‌عنوان ارث مطالبه نکرد؛ بلکه پس از **اخراج** کارگران آن حضرت توسط **مأمورین** ابی‌بکر، آمد به مسجد و سخنرانی نمود و خطبه‌ای غراء ایراد کرد و گفت: این ملک را رسول خدا - صلی‌الله‌علیه‌وآله - به من هبه کرده است که شما **تصرف** می‌کنید؛ ولی ابوبکر گفت: پیغمبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - روایت کرد به من که **انبیا** هیچ میراثی غیر از ایمان و علم و... حتی زمین از خود باقی نمی‌گذارند.

«قال (خلیفه اول) ما ورث ابوبکر دیناراً ولا درهماً و انه قال ان الانبياء لا يورثون فقلت... فدک وهیهالی رسول‌الله...». ابوبکر چون در مقابل سخن حضرت که فرمود اولاً؛ پیامبر آنجا را به من هبه کرده است؛ ثانیاً چرا **دروغ** می‌گویی که پیامبران چیزی را به‌عنوان ارث باقی نمی‌گذارند؛ که به آیات قرآن استناد نمود.

[۱۲] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۰.

بعد از اینکه ابن ابی‌الحدید ماجرای فدک را نقل می‌کند که چگونه دست به دست شد، تا اینکه می‌نویسد عمر بن عبدالعزیز وقتی به خلافت

رسید «... کانت اول ظلامه رَدَّهَا...» رد فدک اولین رفع ظلمی بود که ابن عبدالعزیز انجام داد...
[\[۱۴۱\] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۱.](#)

دیدگاه منابع تاریخی شیعه

و شیعه هرگز معتقد نیست که حضرت فاطمه - سلام‌الله‌علیها - آن را به‌عنوان ارث مطالبه نمود و هرگز چنین چیزی در تاریخ شیعه منعکس نشده؛ بلکه این جعل **اکاذیب** و دروغ‌ها را بنابر نقل ابن ابی‌الحدید از **ام‌المؤمنین** عایشه نقل نموده‌اند.

← روایات جعلی از عایشه

که فاطمه میراث خود را از ابوبکر خواست، و روایتی **معارض** و کاملاً **متناقض** با این روایت از عایشه نقل شده است که قبلاً ذکر شد که عایشه به زنان پیغمبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - گفته است که فدک مال آل‌محمد است. این تعارض آشکار نشانگر جعلی بودن و **باطل** بودن روایت آنهاست.

[\[۱۴۲\] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۱.](#)

همچنین روایات دیگری از عایشه نقل شده است که عباس و فاطمه مطالبه ارث خود از ابی‌بکر نمود؛ لذا این روایت با **ضعف** سند و متن و تعارض کاملاً از حیث **اعتبار ساقط** است.

← تعارض در کلام ابی‌بکر به روایت ابن ابی‌الحدید

علاوه بر این ابن ابی‌الحدید، تعارض در کلام ابی‌بکر را براساس روایتی نقل می‌کند که ابوبکر ابتدا **اعتراف** می‌کند که میراث پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله - به اهلش می‌رسد و بعد جعل حدیث می‌کند که «لانورث» که تعارض و **تضاد** شدید بین دو قول است.

[\[۱۴۳\] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۲؛ چنان‌که ابن ابی‌الحدید در ص ۸۴۹، کاملاً درباره تعارض بین احادیث صحبت کرده و آنها را مردود شمرده است.](#)

و همچنین او نقل می‌کند که این روایت «لانورث» یک حدیثی کاملاً غریبی است؛ چون هیچ‌کس این روایت را از پیامبر به خبر ابی‌بکر نقل نکرده است.

[\[۱۴۴\] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۵.](#)

پانویس

۱. ↑ [باقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۷۱.](#)
۲. ↑ [ابی‌الحسن بلاذری، فتوح البلدان، قم، منشورات الارومیه، ۱۴۰۴، ق، ص ۴۴.](#)
۳. ↑ [ابی‌الحسن بلاذری، فتوح البلدان، قم، منشورات الارومیه، ۱۴۰۴، ق، ص ۴۵.](#)
۴. ↑ [ابی‌الحسن بلاذری، فتوح البلدان، قم، منشورات الارومیه، ۱۴۰۴، ق، ص ۴۶ - ۴۷.](#)
۵. ↑ [ابن اثیر الکامل، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۲۲۵.](#)
۶. ↑ [ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۴.](#)
۷. ↑ [ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۴.](#)
۸. ↑ [نمل\(۲۷\)، آیه ۱۶؛ «ورث سلیمان بن داود...»](#)
۹. ↑ [این حدیث جعلی است و هرگز از پیامبر نقل نشده است؛ چنان‌که ابن ابی‌الحدید در آن تردید نموده.](#)
۱۰. ↑ [نساء\(۴\)، آیه ۱۱؛ چنان‌که در قرآن سوره نساء آیات ۱۱ الی ۱۴ و آیات آخر سوره و آیات دیگر از قرآن مسئله ارث مطرح شد و به‌عنوان یک فریضه از آن یاد شده، مگر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از فرایض دیگر مثل نماز و... مستثنا بود، از این فریضه مستثنا شود.](#)
۱۱. ↑ [ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۰.](#)
۱۲. ↑ [ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۰.](#)
۱۳. ↑ [ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۱.](#)
۱۴. ↑ [ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۱.](#)
۱۵. ↑ [ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۲؛ چنان‌که ابن ابی‌الحدید در ص ۸۴۹، کاملاً درباره تعارض بین احادیث صحبت کرده و آنها را مردود شمرده است.](#)
۱۶. ↑ [ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۵.](#)

منبع

